

□

□

1. در سرمقاله نخستین شماره فصلنامه سفینه، سال 1382، با اشاره به حدیث ثقلین نوشتیم: «این حدیث شریف \hat{a} □□ که وصیت جاودانه پیامبر رحمت است \hat{a} □□ جنبه □□ های گوناگون دارد که با وجود تلاش □□ های مأجور و مشکور، هنوز به قدر کافی تبیین نشده است. □□»

بر همچنان و نهد □□ می خود فعالیت سال شانزدهمین در گام سفینه اکنون. گذرد □□ می سال پانزده روز آن از □□ □□
آنیم که حدیث شریف و راهگشای ثقلین، با □□ «ظاهر زیبا و باطن ژرف □□» خود، ناگفته □□ های بسیار دارد که پژوهشگران و گویندگان و مدرسان ما، آن چنان که باید و شاید، این معدن حقایق را نکاویده □□ اند و هنوز رازهای سر به مهر دارد که باید گفته آید.

2. در فرصت □□ های دیگر نیز، بارها به این کلام کلیدی رسول رحمت و برخی لایه □□ های آن اشاره شده و گفته □□ ایم که در عرصه □□ های مختلف باید این حدیث شریف سرلوحه □□ پژوهش، آموزش، تربیت، عمل، ترویج و فرهنگ □□ سازی باشد. تاریخ نشان می □□ دهد که هر جا بدین شیوه عمل نکرده □□ ایم، کیفر کفران این نعمت را چشیده □□ ایم.

3. برگ برگ تاریخ شاهی صادق است بر این حقیقت که هر جا بنی اسرائیل وار، از من و سلوای موهبتی الهی روی گردانده و به گیاهان زمینی دل بسته □□ ایم، ندای آسمانی به گوش جان ما رسیده است: □□ «أنتبدلون الذی هو اذنی بالذی هو خیر □□» (بقره / 61)؛ آنگاه تازیانه □□ هبوط بر جان ایمان ما خورده است، گرچه تنها اندکی از انبوه جمعیت امت نما این تازیانه و آن ندای هشدار را به واقع درک کردند و بسیاری به طاق غفلت گذاشتند و گذشتند.

4. تکرار تاریخ را در بهره □□ گیری این امت از □□ «باب حطّه □□» (بقره / 58) دیده ایم که چگونه همانند پیشینیان خود آن را به استهزا گرفتند و کاسه لیس بیگانگان شدند؛ به تعبیر قرآن: □□ «و هم یحسبون أن هم یحسون صنعا. □□» (کهف / 104)

5. در گرمگاه روز دهم سیدالمشهدا⁷ بر انسان نماهای صحن □□ کربلا نهیب زد که گوش از شنودن سخن حق بر مگیرید و در برابر پیام نورانی آسمانی هلهله □□ عمدی نکنید، آنگاه علت آن برخورد زشت را بیان فرمود: □□ «فقد ملئت بطونکم من المحرام. □□» (بحار الانوار ج 45 ص 8) و ما آیندگان پس از عاشورا، قرنهای این کلام را به ظاهر آن فروکاستیم و حقیقت آن را نفهمیدیم که چه پیوند وثیقی با آی □□ شریف □□ «فلینظر الإنسان إلى طعامه □□» (عبس / 24) دارد و با معنای باطنی آن که امام باقر⁷ فرمود: □□ «علمه المذی يأخذه عمن يأخذه. □□» (المحاسن ج 1 ص 220)

حدیث فراموشاندن برای مردم عامدانه تلاش با تلخ شدن آن و آیه این میان نکردیم برقرار پیوندی هرگز و ...
ثقلین. بدین روی بارها آزموده را آزمودیم و پیامدهای تلخ آن را چشیدیم. و همچنان ...

6. امام سجاده 7 حکمت والماهی پیوند ناگسستنی قرآن و عترت را در چند جمله کوتاه و گویا چنین بیان می‌دارد:

وَأَلْمَجْمُومِ - هَآلٍ وَ هَآلٍ عَهِدِ الْمَلِكِ لِيَصِيحُ - دَمْحَمُومِ أَكْبَابِنِ أَهْلِ عِلْمِ هَاتِلِ زَنَآكِنِ الْمَلِكِ «...
أَلْمَتَّهِ عِلْمٌ عَجَائِبُهُ مَكْمَلٌ أَوْ وَرَثَتِنَا عِلْمُهُ مَفْسَرٌ، وَ فَضْلَتِنَا عِلْمِي مَنْ جَهْلَ عِلْمَهُ، وَ قَوِيَّتِنَا
عَلَيْهِ لِيَتَرَفَعْنَا فَوْقَ مَنْ لَمْ يُطِقْ حَمْلَهُ.» (صحیفه سجادیه، دعای 42)

به علم آن کنار در اما. است داده قرار خود نورانی کلام این در حکیم خدای را اجمال، آسمانی بیان این اساس بر ...
ژرفای کتاب را به پیامبرش سپرده و آن علم را به خاندان این پیامبر به ارث نهاده، و این خاندان را به سبب این علم بر
دیگران برتری داده است.

7. مولی اسماعیل خواجویی فیلسوف و متکلم مشهور بر مبنای همین گونه احادیث در تعلیقات منتشر نشد خود بر تفسیر
صافی با اشاره به حدیث ثقلین می‌نویسد:

فله إطاعتها و حكمهما عن يتجاوز لهم و مكانهما في عرفهما و هما بحق اعترف من و .ةألمبت نجى بهما كتمس فمن «...
المثوبات و المحسنات غير المتناهية، و له المقرب و الموصل و المجنة و المرصوان و الفوز العظيم.»

:کند - می‌استناد نبوی حدیث به خود بیان از دیگر بخشی در خواجویی ...

بیتی اهل و کتابه و المقيامة يوم ارجب المعزیز علی و افد لآو أنا: آله و علیه الله صلی قوله «...»

ةألمجمعی بمعنی الماوا لأن، مجتمعين و معا: أي ...

أحد یفترقون لا المسلم علیهم المبيت اهل و المکتاب و آله و علیه الله صلی الرسول أن المشریف الحدیث هذا من يفهم و ...

منهم أحداً. و علی هذا من ضیّع حقّ أحدہم، ضیّع حقّ الآخر. و الأمر كذلك بالنقل و المعقل. و الموفود بمعنی المورود.

بل، متنازیم بهم الإیمان لأنّ البکذ فهو، المعتزّة یطع لم و، القرآن و الرسول و بالملہ آمن هآن عی آد من هذا فعلی □ □ □
الإیمان شیء واحد لا یقبل المتجزیة. و الإیمان بالملہ عین المتصدیق و الإیمان بالمعتزّة المهادیة و الملہ یعلم. □ □

و در بیانی شدید الملحن هشدار می □ - دهد:

مّر کما، الرسول علی یردا حتی یفترقا لا، متصادقان صاحبان همالآن، إطاعتهم و المعتزّة و لایمة القرآن تمسک علامة □ □ □
فمن قال أنى تمسک بالقرآن و لا یحبهم و لا یطیعهم، فهو کذاب... ضال... مضل... یجب المفارقة و التنفّر عنه و... □ □
(تعلیقات تفسیر صافی، نسخه خطی کتابخانه مجلس، ذیل مقدمات صافی)

ندارد توضیح به نیازی دانشور این عبارات □ □

شهرستانی عبدالکریم بن محمد. بشنویم دیگران زبان از را دلبران سر و شویم جویا نیز امامیه غیر زبان از بگذارید. 8 □
متوفی 548 ق. (صاحب کتاب الممل و المنحل) چهر □ مقبول و نام آشنای عرصه □ کلام، در تفسیر خود □ «مفاتیح الماسرار و
مصابیح المابرار □» ابتدا به یک نکته □ اساسی در عرصه □ فهم قرآن اشاره می کند و آنگاه پرده از حقیقتی تلخ بر می دارد:
محمد بن عبدالکریم شهرستانی (صاحب کتاب الممل و المنحل) چهر □ مقبول و نام آشنای عرصه □ کلام، در تفسیر خود
حقیقتی از پرده آنگاه و کند □ می اشاره قرآن فهم عرصه □ در اساسی نکته □ یک به ابتدا « □ المابرار مصابیح و الماسرار مفاتیح □
تلخ بر می □ دارد:

صلی النبى هو و، الّلمفصّن المبیّ الی فیها المقول تفصیل إنما و، مجملة القرآن فی تردّد المألفاظ أن، آخر سر □ □ □
الله علیہ؛ فإنّ لا نعرف من اللفظ المطلق المجمل إلّا ما دلّ علیہ من جهة اللغّة و الموضع، و المبیان بعد ذلك الی المبیّن، و
المبیّن مخصوص بالذکر؛ قال تعالی: "و أنزلنا إلیک الذکر لتبیّن للناس". و ما قال: لیتبیّن للناس، حتی لا یسع لكلّ عربی
یعرف اللغّة: "حسبنا کتاب الله"، فلا یتحتاج فی زمانه الی بیانه، و لا یعذر بأنّه الی نایب ینوب عنه فی تنزیله و تأویلہ. و المنائب
عنه هو الموارث عنه، و العلماء ورثة الأنبیاء. و الموارث من یتبث

دائرة بنیاد عکسی چاپ، الماسرار مفاتیح) « □. عنه واریثا یکن لم مورثه حق بطل من آفأم. عنه یرث ثم، لمورثه آوّل المحق □
المعارف اسلامی، ج 1 ص 56 ب) □

9. بر مبنای توضیح شهرستانی، به چند نکته می □ - رسمیم:

اند - مجمل قرآن در الفاظ. یک □ □

است شده سپرده پیامبر یعنی نبی به تفصیل. دو □ □

را کلمات ژرفای نه شناسیم - می را لفظ فقط قرآن از، پیامبر تعلیم بدون. سه □ □

(کنی تبیین مردم برای □ □ پیامبر ای □ □ تو اینکه برای) «□ □ للناس نلتی» □ □ فرمود که است شده سپرده پیامبر به قرآن نص به منصب این. چهار □ □

(شود روشن خود خودی به مردم برای) للناس نلتی: فرمود خداوند. پنج □ □

بگوید «□ □ الله کتاب حسنا» □ □ که نرسد را عربی ادبیات از خبر بی بیابگرد اعرابی یک لذا. شش □ □

است او علم وارث و نبوی علم به عالم، پیامبر نایب. هفت □ □

است برده ارث به را حق آن که کند ادعا خود برای آنگاه، کند ثابت ثَمور برای ی حق ابتدا که است کسی وارث. هشت □ □

داند؟ - می پیامبر وارث را خود مورد چه در، نداند ثابت، خود مورث برای را قرآن علم حق که کسی. نه □ □

10. شهرستانی همچنین به تحی رامت اشاره می - کند، از آن روی که برای فراگیری حقایق قرآن به اهل بیت: رجوع نکردند. از کلام خودش باز خوانیم که: □ □ عندلیب آشفته □ □ - تر نویسد - می ران مفسر سرگردانی به اشاره از پس (قرآن تفسیر شرایط عنوان تحت خود مفصل مقدم □ □ از دوازدهم فصل در) وی. «□ □ را افسانه این دخوان - می □ □

ین ضال حباری المذاهب بهم ذهب و، الأسباب بهم عت تقط و المباب علیهم □ □ فانغلق، أسبابه بذیل قوایتعل لم □ □ و □ □، بابه من العلم یأتوا لم هم لأن رآلتحی هذا لهم وقع ماآن و» □ □ □ □
ذلک بأن هم کذبوا بآیات الله و کانوا عنها غافلین. و آیات الله اولیایؤه کما قال تعالی: و جعلنا ابن مریم و أمّه آیه ... □ □» (مفاتیح الاسرار، ج 1 □ □ ص 26 آ)

فضایل از شواهدی، خود کلام اداها در آنگاه دانند می او اولیایی یعنی خدا آیات از آنها عمده گردانی روی را خواص رتبی و امت سرگشتگی این منشأ شهرستانی □ □
امیرالمؤمنین و اهل بیت خصوصاً امام صادق 8 در باب علم الهی به تفصیل می آورد که این مجال مختصر را امکان نقل تمامی آن نیست.

11. پیش از این در چهار شماره که به بحث قرآن بسندگی اختصاص داشت، در بار این پدیده و پیامدهایش مطالبی بیان شد. اینک در این شماره بر آنیم تا پرده های از حکمت الهی بیوستگی قرآن و عترت بازگوییم. می دانیم که مجال سخن فراخ است و بضاعت و فرصت ما بس اندک. همین بزم آورد مختصر را که فرادید آمد، به لطف صاحب‌دلان و یاران همراه به سامان رسید. و سپاس ما نثار هم آنان باد.

امانت این حفظ بلند راه در کوتاه گامی که باشد شود؛ می پیشکش نقلین به علاقمندان و پژوهشیان پیشگاه به شماره این در عترت و کتاب همراهی از دیگر اشار چند اینک □ □
گرانسنگ به شمار آید و پاسداشت سفارش رسول رحمت در کارنامه ما ثبت و ضبط شود.

12. همچون همیشه چشم ما به دعای خیر و انعام عام امامی است غایب از نظر و حاضر در دل، که گرچه بسان خورشید در ورای ابر است و بمانند بوی گل، از دیده های نهانها آم
فیض او بر خار و گل رسیده و چتر گسترد آن بر سر این خادمان ناچیز نیز کشیده شده است.

نهاد نمی سر پشت را نشیب و فراز پر سال پانزده ما سفینه هرگز رسید نمی ما به الهی معصوم حجت آن واسطه به الهی توفیق اگر که نداریم تردید □ □

آنها هم از خوانندگان و ویراستاران و داوران و نویسندگان یکایک محضر به سپاس ادای از پس، گوییم می سخن شما با ماجرا پر دور این از پس که نیز اکنون □ □
می خواهیم که همچنان همکاری صادقانه، نقد مخلصانه و دعای خیر خود را از این خادمان خود دریغ ندارند.

□

□

□

□

□

□

□

□

1. نخستین بار استاد فقید مرحوم عبدالحسین حائری بیست و چند سال پیش این کلام را به تکرارند □ این سطور نشان داد و اهمیت آن را گوشزد کرد. یاد و نام روشن او همواره گرامی باد.

□